

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

روش‌شناسی علم اصول

تبيين دیدگاه‌های روش‌شناختی
امام خمینی، علامه طباطبایی و آیت‌الله العظمی استاد سبحانی
در علم اصول استنباط

نویسنده: مصطفی همدانی

سرشناسه	: همدانی، مصطفی، ۱۳۵۷
عنوان و نام پدید آور	: روش شناسی علم اصول: تبیین دیدگاه های روش شناختی امام خمینی، علامه طباطبائی و آیت الله العظمی استاد سبحانی در علم اصول استنباط/نویسنده مصطفی همدانی.
مشخصات نشر	: قم: دانشگاه قم، انتشارات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۸۴۳۶-۸۴۳۶-۶-۱۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه نامه
یادداشت	: کتابنامه
یادداشت	: نمایه
موضوع	: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۶۸- دیدگاه درباره اصول فقه
موضوع	: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI-- Views on Islamic law (Interpretation and construction)
موضوع	: طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰ - دیدگاه درباره اصول فقه
موضوع	: Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn- Views on Islamic law (Interpretation and construction)
موضوع	: سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸ - دیدگاه درباره اصول فقه
موضوع	: Sobhani Tabrizi Jafar, 1929--Views on Islamic law Interpretation and construction
موضوع	: اصول فقه - روش شناسی
موضوع	: Islamic law – Interpretation and construction- Methodology
شناسه افزوده	: انتشارات دانشگاه قم
رده بندی کنگره	: BP ۱۵۹/۸/۵۸ ر ۹ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۱۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۸۰۹۸



انتشارات دانشگاه قم

عنوان: روش شناسی علم اصول: تبیین دیدگاه های روش شناختی امام خمینی، علامه طباطبائی و آیت الله العظمی استاد سبحانی در علم اصول استنباط
نویسنده: مصطفی همدانی

چاپ و صحافی: هوشنگی

طراح جلد: احمد رضا حیدری

ناظر فنی: علیرضا معظمی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۱۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۱۲-۶

ISBN: 978-600-8436-12-6

آدرس الکترونیکی: Publication@ Qom. ac.ir

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه

تلفن: ۰۲۵-۳۳۴۴۴۴-۳۲۱-۲۵-۳۳۴۵۰۳۳۱-۲۵

محمد بن ابی‌نصر از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که آن
بزرگوار فرمود: **عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ.**

با یاد دو دریای خروشان علم و معرفت؛ دو اسطوره فرزاندگی
و پارسایی و معنویت؛ و دو الگوی فقیهان و اصولیان
در «تفریع روشمند» از کتاب و سنت، حضرت امام خمینی
و حضرت علامه طباطبایی قدس سرهما.

... و با نکوداشت سال‌ها تدریس و تالیف فقیه، اصولی و
متکلم عالی‌قدر، استاد بزرگوار، حضرت آیت‌الله‌العظمی
سبحانی رحمته خصوصاً تجلیل از خدمات ایشان به دانش
شریف اصول استنباط.

فهرست اجمالی مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۲۳
فصل اول: مفاهیم تحقیق.....	۷۵
الف. روش.....	۷۷
ب. روش‌شناسی.....	۸۰
ج. علم اصول فقه.....	۸۳
نتیجه‌گیری فصل اول.....	۸۶
فصل دوم: ماهیت ابزاری علم اصول و الزامات روش‌شناختی آن.....	۸۷
مقدمه.....	۸۹
الف. تحلیل ماهیت ابزاری علم اصول فقه.....	۹۱
ب. الزامات روش‌شناختی ماهیت ابزاری علم اصول.....	۹۳
نتیجه‌گیری فصل دوم.....	۱۴۵
فصل سوم: ادله علم اصول (روش‌های کلی اجتهاد در علم اصول).....	۱۴۷
مقدمه.....	۱۴۹
الف. ادله علم اصول از منظر امام خمینی و استاد سبحانی.....	۱۵۲
ب. ادله علم اصول از منظر علامه طباطبایی.....	۱۸۰
نتیجه‌گیری فصل سوم.....	۱۹۱
فصل چهارم: ضرورت تفکیک روش فلسفی از روش اصولی در علم اصول.....	۱۹۳
مقدمه.....	۱۹۵
الف. کلیات و مبانی.....	۱۹۶
ب. استقرار موارد انتقادی آمیخت روش فلسفی با روش اصولی.....	۲۱۷
نتیجه‌گیری فصل چهارم.....	۲۸۶
نتیجه‌گیری از کل رساله و ارائه پیشنهاد.....	۲۹۳
مصادر تحقیق.....	۲۹۷
نمایه.....	۳۱۷

فهرست تفصیلی مطالب

پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه.....	۲۲
الف - جایگاه علم اصول در اجتهاد فقهی.....	۲۵
ب - جایگاه علم اصول در اجتهاد غیر فقهی.....	۲۸
ج- اهمیت روش در تحقیق.....	۳۱
د - روشمندی علمی از منظر امام خمینی.....	۳۳
هـ - روشمندی علمی از منظر علامه طباطبایی.....	۳۶
و - روشمندی علمی از منظر حضرت استاد سبحانی.....	۳۹
ز- اهمیت بحث روش شناسی در علم اصول.....	۴۰
ح- جایگاه روش شناسی در فلسفه علم اصول.....	۴۰
ط- ضرورت تحقیق در روش شناسی علم اصول.....	۴۲
ی - نیم نگاهی به تحولات روش شناختی علم اصول از زمان شیخ طوسی تا زمان معاصر.....	۴۶
ک- پیشینه تحقیق در روش شناسی علم اصول.....	۴۸
۱. دستاوردهای محققان شیعی در روش شناسی اصول فقه (کتب و پایان نامه‌ها).....	۴۹
۱.۱. جایگاه شناسی علم اصول.....	۴۹
۱.۲. منابع و ادله علم اصول فقه.....	۵۰
۱.۳. پیش فرض های فلسفی در علم اصول.....	۵۳
۱.۴. کاربرد قواعد فلسفی در علم اصول فقه.....	۵۴
۱.۵. تأثیر فلسفه بر اصول فقه.....	۵۴
۲. دستاوردهای محققان شیعی در روش شناسی اصول فقه (مقالات).....	۵۴
۳. دستاوردهای محققان اهل سنت در روش شناسی اصول فقه.....	۵۵
۳.۱. النشار و روش شناسی علم اصول.....	۵۵
۳.۲. عبدالحمید مذکور و روش شناسی علم اصول.....	۵۶
۳.۳. جابر العلوانی و روش شناسی علم اصول.....	۵۶
ل - انگیزه تحقیق و دلیل تأکید رساله بر آراء اصولی امام، علامه طباطبایی و استاد سبحانی....	۵۷
م- نوآوری های رساله و مقالات پژوهشی استخراج شده از تحقیق.....	۶۱
ن - روش تحقیق.....	۶۴
۱. روش اسنادی.....	۶۴

۲. استقراء مورد پژوهانه..... ۶۵
- س- معرفی رساله و بخش های آن..... ۷۰
- ع- دلیل کثرت استناد به متون اصولی و فقدان ترجمه متون عربی در رساله..... ۷۲

فصل اول: مفاهیم تحقیق ۷۵

- الف. روش..... ۷۷
- ب. روش شناسی..... ۸۰
- ج. علم اصول فقه..... ۸۳
- نتیجه گیری فصل اول..... ۸۶

فصل دوم: ماهیت ابزاری علم اصول و الزامات روش شناختی آن ۸۷

- مقدمه..... ۸۹
- الف. تحلیل ماهیت ابزاری علم اصول فقه..... ۹۱
- ب. الزامات روش شناختی ماهیت ابزاری علم اصول..... ۹۳
۱. پالایش علم اصول از زوائد..... ۹۳
- ۱.۱. اندیشه های انتقادی حضرت امام خمینی درباره زوائد علم اصول..... ۹۴
- ۱.۲. اندیشه های انتقادی حضرت علامه طباطبایی درباره زوائد علم اصول..... ۱۰۴
- ۱.۳. اندیشه های انتقادی حضرت استاد سبحانی درباره زوائد علم اصول..... ۱۰۴
- ۱.۴. اندیشه های انتقادی تاییدی..... ۱۰۶
- ۱.۴.۱. انتقادات وحید بهبهانی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۰۶
- ۱.۴.۲. انتقادات شیخ انصاری از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۰۷
- ۱.۴.۳. انتقادات آخوند خراسانی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۰۷
- ۱.۴.۴. انتقادات محقق نهایندی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۰۸
- ۱.۴.۵. انتقادات آیت الله العظمی بروجردی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۰
- ۱.۴.۶. انتقادات آیت الله العظمی خویی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۱
- ۱.۴.۷. انتقادات آیت الله العظمی مکارم از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۲
- ۱.۴.۸. انتقاد آیت الله شهید خمینی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۳
- ۱.۴.۹. انتقادات مرحوم آیت الله ابوالحسن شیرازی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۳
- ۱.۴.۱۰. انتقادات آیت الله سیفی مازندرانی از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۴
- ۱.۴.۱۱. انتقادات آیت الله شمس الدین از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۴
- ۱.۴.۱۲. انتقادات برخی بزرگان اهل سنت از مباحث زائد در علم اصول..... ۱۱۵
- ۱.۵. ابعاد تورمی علم اصول (تورم سه ضلعی)..... ۱۱۷
- ۱.۶. پاسخ به یک اشکال، جمع بندی و ارائه راهکار..... ۱۱۸
۲. دلیل سنجی در علم اصول (اعتبارسنجی ادله)..... ۱۲۰

انتقال مباحث علمی دخیل از سایر علوم.....	۱۲۲
توسعه علم اصول بر اساس نیاز ابزاری فقه به آن.....	۱۲۶
۴.۱. تحلیل مفهومی توسعه علم اصول و ابعاد آن.....	۱۲۶
۴.۲. الزام توسعه‌ای (۱): تبیین جایگاه مستقلات عقلیه در اجتهاد.....	۱۲۹
۴.۳. الزام توسعه‌ای (۲): تبیین جایگاه عرف و سیره در اجتهاد.....	۱۳۳
۴.۴. الزام توسعه‌ای (۳): تبیین جایگاه مقاصد شریعت در اجتهاد.....	۱۳۴
۴.۵. الزام توسعه‌ای (۴): تبیین جایگاه حکم ولایی در اجتهاد.....	۱۳۷
۵. توازن التزامی بین مبنای اصولی و عملکرد فقهی.....	۱۳۸
۶. تبیین نمونه‌های کاربردی فقهی در همه مباحث علم اصول.....	۱۴۱
نتیجه‌گیری فصل دوم.....	۱۴۵

فصل سوم: ادله علم اصول (روش‌های کلی اجتهاد در علم اصول) ۱۴۷

مقدمه.....	۱۴۹
الف. ادله علم اصول از منظر امام خمینی و استاد سبحانی.....	۱۵۲
۱. دسته اول: تحلیل‌های لغوی.....	۱۵۲
۲. دسته دوم: قواعد ادبی (صرفی و نحوی).....	۱۵۴
۳. دسته سوم: تحلیل‌های عرفی - عقلانی.....	۱۵۵
۳.۱. دو کرانه آسیب‌شناختی تحلیل عرفی از منظر امام خمینی.....	۱۶۳
۳.۱.۱. کارایی عرف دقیق از منظر امام خمینی.....	۱۶۳
۳.۱.۲. رد کارایی عقل دقیق در استنباط از منظر امام خمینی.....	۱۶۴
۳.۱.۳. نوعی تدقیق عقلی مقبول در عرف مورد نظر امام خمینی.....	۱۶۷
۳.۲. دو کرانه آسیب‌شناختی تحلیل عرفی از منظر حضرت استاد سبحانی.....	۱۶۸
۴. دسته چهارم: ارتکازات فطری.....	۱۷۰
۵. دسته پنجم: ادله نقلی (آیات و روایات).....	۱۷۱
۶. دسته ششم: ادله عقلی.....	۱۷۲
۷. دسته هفتم: رهیافت‌های ترکیبی.....	۱۷۳
۸. جایگاه اجماع در استدلال اصولی از منظر امام خمینی و حضرت استاد سبحانی.....	۱۷۵
۹. خلاصه بحث ادله علم اصول از منظر امام خمینی و استاد سبحانی.....	۱۷۸
ب. ادله علم اصول از منظر علامه طباطبایی.....	۱۸۰
۱. تحلیل عقلانی، مبنای ادله به ظاهر عقلی.....	۱۸۱
۲. مبنای نظری اندیشه علامه در تحلیل عقلانی مستقلات عقلیه.....	۱۷۹
۳. موافقان اندیشه علامه در عقلانی بودن مستقلات عقلیه.....	۱۸۲
۳.۱. شیخ‌الرئیس بوعلی و دیگر فلاسفه.....	۱۸۲
۳.۲. محقق اصفهانی.....	۱۸۳

۱۸۶ ۳.۳. مرحوم علامه مظفر
۱۸۶ ۳.۴. مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت
۱۸۶ ۳. اندیشه‌ی اصولی علامه در تحلیل عقلانی غیرمستقلات
۱۸۷ ۴. اندیشه‌ی اصولی علامه در عقلانی بودن روش علم اصول در همه‌ی مسائل
۱۸۹ ۵. برخی اندیشه‌های موافق و مخالف علامه در عقلانی بودن روش در کل علم اصول
۱۹۱ نتیجه‌گیری فصل سوم

فصل چهارم: ضرورت تفکیک روش فلسفی از روش اصولی در علم اصول ۱۹۳

۱۹۵ مقدمه
۱۹۶ الف. کلیات و مبانی
۱۹۶ ۱. تبیین مفهوم روش فلسفی
۱۹۷ ۲. مبانی معرفت‌شناختی (۱): چیستی قضایای حقیقیه و اعتباریه
۲۰۱ ۳. مبانی معرفت‌شناختی (۲): ماهیت اعتباری علم اصول
۲۰۲ ۴. مبانی معرفت‌شناختی (۳): مقیاس تولید احکام اعتباری
۲۰۳ ۵. مبانی معرفت‌شناختی (۴): برهان بردار نبودن علوم مباحث اعتباری
۲۰۵ ۶. هستی‌شناسی حکم
۲۰۵ ۷. پیشینه‌ی ورود تحلیل‌های فلسفی به علم اصول
۲۰۶ ۸. پیشینه‌ی انتقاد از ورود تحلیل‌های فلسفی به علم اصول
۲۰۷ ۸.۱. سید مرتضی
۲۰۷ ۸.۲. محقق نراقی
۲۰۸ ۸.۳. امام خمینی
۲۰۹ ۸.۴. علامه طباطبایی
۲۱۰ ۸.۵. شهید مطهری
۲۱۰ ۸.۶. شهید خمینی
۲۱۱ ۸.۷. آیت‌الله العظمی سبحانی
۲۱۱ ۸.۸. آیت‌الله العظمی سیستانی
۲۱۲ ۹. درآمیزانی منتقد آمیخت روش‌شناختی!
۲۱۶ ۱۰. منتقدانی از اصولیان اهل سنت
۲۱۷ ب. استقرار موارد انتقادی آمیخت روش فلسفی با روش اصولی
۲۱۷ ۱. آمیخت نادرست روش‌شناختی در مقدمات
۲۱۷ ۱.۱. لزوم موضوع برای هر علم
۲۱۸ ۱.۲. تبیین مفهوم «ذاتی» در تعریف موضوع علم
۲۱۹ ۱.۳. اتحاد موضوع هر علم با موضوع مسائل آن علم
۲۲۰ ۱.۴. تمایز علوم

۲۲۰	۱.۵. معانی حرفیه
۲۲۲	۱.۶. مفاد هیئت در جمله اسمیه
۲۲۳	۱.۷. امکان استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد
۲۲۳	۱.۸. صحیح و اعم (جامع تشکیکی)
۲۲۵	۱.۹. صحیح و اعم (وحدت جامع)
۲۲۶	۱.۱۰. قیام مبده (در بحث مشتق) به ذات
۲۲۷	۱.۱۱. فرق بین مشتق و مبدا
۲۲۹	۱.۱۲. استدلال بر وضع مشتق برای خصوص متلیس
۲۳۰	۱.۱۳. عدم دلالت فعل بر زمان
۲۳۱	۲. آمیخت نادرست روش شناختی در مباحث الفاظ
۲۳۱	۲.۱. ظهور امر در وجوب
۲۳۳	۲.۲. فور و تراخی
۲۳۴	۲.۳. تعدی و توصلی: امتناع امکان اتخاذ قصد قربت در متعلق امر
۲۳۵	۲.۴. تعدی و توصلی: مطابقت علل تشریحی و تکوینی
۲۳۷	۲.۵. مقدمه واجب: شرط متقدم و متأخر
۲۳۸	۲.۶. مقدمه واجب: رجوع قید در واجب مشروط به هیئت یا ماده
۲۴۱	۲.۷. متعلق اوامر و نواهی (طبیعت یا افراد)
۲۴۴	۲.۸. مسئله ترتب (در بحث ضد)
۲۴۶	۲.۹. تبیین حقیقت تخییر عقلی
۲۴۸	۲.۱۰. تصویر واجب کفایی
۲۴۹	۲.۱۱. جواز اجتماع امر و نهی
۲۵۰	۲.۱۲. نقد مقدمه اول دلیل قائلین به امتناع اجتماع امر و نهی
۲۵۳	۲.۱۳. نقد مقدمه دوم دلیل قائلین به امتناع اجتماع امر و نهی
۲۵۴	۲.۱۴. نقد قول به استحاله عقلی و جواز عرفی در مبحث اجتماع امر و نهی
۲۵۵	۲.۱۵. مسئله خروج از دار غضبی
۲۵۷	۲.۱۶. اقتضای فساد در صورت نهی از شیء
۲۵۸	۲.۱۷. تصویر علیت منحصره در مفهوم شرط
۲۵۹	۲.۱۸. استحاله تداخل اسباب شرعیه مانند اسباب تکوینی
۲۶۲	۲.۱۹. تحلیلی برای اعتباردهی به مفهوم وصف
۲۶۳	۲.۲۰. تبیین مفهوم غایت
۲۶۶	۲.۲۱. امتناع شرط متأخر
۲۶۷	۲.۲۲. تبیین علت تفاوت اسم جنس و علم جنس در مطلق
۲۶۹	۳. آمیخت نادرست روش شناختی در امارات
۲۷۰	۳.۱. عدم امکان تعلق جعل به حجیت قطع

۳۲۰ امکان تعید به امارات
۳۷۱ آمیخت نادرست روش شناختی در اصول عملیه
۳۷۲ محل نزاع در اقل و اکثر ارتباطی
۳۷۳ جریان احتیاط در شبهه موضوعیه در اقل و اکثر در خاص
۳۷۴ تنبیه دوم احتیاط: خروج بعض اطراف از محل ابتلا
۳۷۵ استصحاب احکام وضعی
۳۸۰ شرط بقای موضوع در جریان استصحاب
۳۸۱ پاسخ به یک شبهه
۳۸۶ نتیجه‌گیری فصل چهارم
۳۹۳ نتیجه‌گیری از کل رساله و ارائه پیشنهاد
۳۹۵ دعا و توسل
۳۹۷ مصادر تحقیق
۳۹۷ کتاب‌ها
۳۱۵ مقالات و پایان‌نامه
۳۱۷ نمایه (اشخاص)
۳۲۳ نمایه (کتاب‌ها)

پیشگفتار

با نام خدای متعال و سپاس و ثنای بی‌انتهای آن بارگاه مجد و کبریا و با سلام و درود و تحیت بر همهٔ مقربان و فرستادگان الهی خصوصاً وجود طوبایی پیامبر عظیم‌الشان خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامی او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بالاخص وجود مبارک حضرت خاتم‌الاولیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که اصل هر خیر و خوبی هستند؛ و دورباش از رحمت خدا بر دشمنان زَقومی آنان؛ همانان که اصل و ریشهٔ هر زشتی و پلیدی‌اند.

اصول استنباط، منطق اجتهاد فقهی و مبنای فهم شریعت و بلکه از مهم‌ترین بنیادهای استنباطی همهٔ آموزه‌های منسوب به دین (اعم از عقیدتی، اخلاقی، فقهی، تفسیری، تاریخی و ...) است که نقش برجسته‌ای در موجه ساختن انتساب این آموزه‌ها به دین و سنجش و ارزیابی اعتبار آن‌ها دارد.

این دانش، نه موهبتی آسمانی و وحیانی بلکه فرآورده‌ای زمینی و بشری و محصول تلاش و کوشش و اندیشه‌ورزی جمعی فقیهان در فرآیند استنباط در طول تاریخ و گذر زمان است. اصولاً، انسان و همهٔ محصولات مادی و فکری او از جمله علم اصول در بستر تکامل در حرکت هستند و زنده از آن هستند که آرام نگیرند و آرامش آنان در عدم آنان است. از این‌رو علم اصول با ماهیتی «تراکمی» و «تکاملی» و با کارکردی ابزاری و «برآمده» از متن علم فقه و در «خدمت» فهم آموزه‌های فقهی و بلکه دینی قابل معرفی است. طبق آنچه گفته شد، اولاً، هرگز نباید این دانش را به عنوان علمی مستقل و خودبسنده ملاحظه نمود؛ و ثانیاً، این علم ابزاری باید همواره در راستای خدمت به هدف خود که همان استنباط باشد قرار گیرد و در این راستا گماشته شود و با پایش مداوم، انحراف از این هدف، به عنوان نوعی کژکارکرد

تلقی شود و از آن دور شود؛ و ثالثاً، این دانش، باید مسیر رشد و تکامل خود را فراموش نکند بلکه همواره از تصحیح روش‌ها و تکمیل و توسعه آن‌ها در راستای استنباط دقیق‌تر و روزآمدتر غفلت نرزد.

آنچه ضامن اهداف یادشده و حافظ مصالح و دافع انحرافات پیش‌گفته از علم اصول است، «روشمندی» این علم است که در حقیقت، بستر و مسیر درست برای هر گونه تحلیل و توسعه و تبیین مباحث علم اصول و حتی روش نقد آن را فراهم می‌کند؛ زیرا هر علمی از جمله اصول استنباط اگر از روش خود فاصله بگیرد و از روشمندی دور شود، دچار انحراف یا سستی در رشد و تکامل می‌گردد.

اینجا است که پرسش‌های مهمی با دغدغه روش‌شناسانه و با محوریت دغدغه روشمندی در این علم رخ می‌نماید: روشی یا روش‌هایی که علم اصول باید بر آن پافشاری کند و با آن معیار یا معیارها خود را بسنجد و راه خود را بیوید و یافته‌های خود را بپاید و بپروراند و بپالاید و انحراف را از خود دور کند و بر اساس آن به توسعه علمی دست زند، چیست؟ چگونه می‌توان یافته‌های علم اصول را روشمند انگاشت یا آنها را فاقد معیار روش دانست؟ اگر طلبه جوان نواندیش و خوش‌فکر یا دانشمند اصولی کهنسال و جوان‌دلی در دانش اصول نظریه‌ای نو ارائه کنند، میزان نقد این اندیشه‌ها چیست؟ چه انحرافاتی در روش علمی اصول موجود رخ داده (بر فرض رخ دادن) و یا برای یک محقق علم اصول، قابل رخ دادن است؟ اینها و دهها چون این پرسش‌های قابل تأمل که برای تفکر اصولی ضرورت دارند و بلکه بنیاد اندیشه اصولی را باید بر پاسخ به این پرسش‌ها نهاد، پرسش‌هایی معطوف به روش، از جنس روش‌شناسی، از سنخ روش‌کاوی و از خاستگاه دغدغه روشمندی هستند و پاسخ‌هایی با همین رویکردها می‌طلبند. البته علم اصول خود از سنخ روش است (روش برای فقه) و بدین‌سان پرسش‌های یادشده و امثال آن‌ها که روش‌های علم اصول را موضوع بحث و تحلیل خود قرار داده‌اند و آن‌ها را با نگاهی روش‌شناختی بررسی می‌کنند، دانشی درجه دوم محسوب می‌شوند و از این‌رو رساله فرارو «روش‌شناسی علم اصول» نام گرفته است.

در هر صورت، این پرسش‌ها فاخرند و از طرف دیگر به جهت لطافت ساختار و ظرافت تبیین و دیربایی تصور عنوان و موضوع، نازپرورده و زودرنج و به تعبیری گریزپا و غریب و نامانوس

هستند و از این رو باید مواظبت نمود مورد بی‌مهری قرار نگیرند و با کم‌توجهی مواجه نشوند که به سرعت به حاشیه رانده می‌شوند با اینکه پاسخ‌جو و علم‌اصول خصوصاً در روزگار نو و در میان نسل نو با آن‌ها مواجه است و به آنها محتاج؛ بلکه باید چونان مهمانانی نورسیده و گرامیانی نور دیده از آن‌ها استقبال کرد؛ چه آنها را در درون علم‌اصول جای دهیم و در مقدمات علم‌اصول از آنها جستجو کنیم؛ و چه آن را از فلسفه علم‌اصول به عنوان شاخه‌ای نوپیدا که بحث روش‌شناسی هم زیرمجموعه آن است، مطالبه کنیم؛ اما متأسفانه تاکنون تالیفی مستقل که به موضوع روش‌شناسی علم‌اصول بپردازد یافت نشده است.

از بزرگان علم‌اصول در قرن اخیر که علاوه بر نوآوری و ابتکار در علم‌اصول در روش‌شناسی این علم نیز دارای دل‌مشغولی بوده و انتقادات و اصلاحات و پیشنهادهای در این موضوع ارائه کرده‌اند، حضرت امام خمینی و حضرت علامه طباطبایی قدس سرهما هستند. تحلیل دقیق ماهیت ابزاری علم‌اصول و نتایج آن چون لزوم پالایش از زوائد و تاکید بر تطبیق و اصرار بر کاربردی بودن این ابزار در استنباط و نیز تحلیل سنخ قضایای علمی و ماهیت علم‌اصول استنباط به عنوان یک علم اعتباری و نیز لوازم روش‌شناختی مترتب بر این ماهیت و هشدار به آمیختن مباحث آن با علوم حقیقی و استفاده از روش‌های برهانی در علم اعتباری اصول، از دستاوردهای روش‌شناختی این بزرگان در علم‌اصول است.

حضرت آیت‌الله العظمی استاد سبحانی دامت‌الرحمة که در حدود چهل سال به تدریس خارج اصول اشتغال داشته و افتخار شاگردی آن دو بزرگوار را در فقه، اصول، تفسیر و فلسفه داشته‌اند، در سه ضلع تلاش روش‌شناسانه دو استاد بزرگوار خود را ترویج و توسعه داده‌اند: اولاً، با زبان و قلم و تدریس و تالیف، به شرح و تبیین و توضیح اندیشه‌های ایشان پرداخته‌اند. ثانیاً، الگوهای روش‌شناختی مذکور را به ساحت‌های گسترده‌تر در علم‌اصول تسری داده و با تحلیل بیشتر به نقد کارکردها و تبیین برخی کژکارکردهای روش‌شناختی علم‌اصول در مباحث گوناگون پرداخته‌اند، ثالثاً، بر توسعه علم‌اصول جهت دربرگیری قواعد مهمی که فقه به آن‌ها مبتلا است و در علم‌اصول حضور ندارد چون عرف و مقاصد شریعت و ... نیز تأکید کرده‌اند و ظاهراً برخی از نوشتارها و تک‌نگاری‌های متاخر در این مباحث نیز متأثر از اندیشه‌های حضرت استاد

سبحانی رحمته در این موضوعات است؛ همانطور که آن نویسندگان و محققان محترم نیز افتخار شاگردی ایشان را داشته‌اند.

این محورها همان التزام واقعی به مقتضای ابزاری این علم و نیز تأکید بر بنانهادن مباحث علم اصول بر مبنای روش‌شناختی معقول و موجه است؛ همان‌گویی که پیشوای والامقام، علامه انصاری رحمته با التزام به آن از طرفی به حذف مباحث غیرکاربردی چون قیاس و استحسان و ... از علم اصول پرداخت و از طرف دیگر، انبوهی از تحقیقات تازه و «برآمده» از فقه و در «خدمت» فقه را بر دانش اصول استنباط افزود که نیاز فقه بود و ابزار اجتهاد به حساب می‌آمد. این است دانش اصولی که پویا است و پایا؛ توسعه می‌یابد تا مشکلی را در فقه و استنباط حل کند یا راه حلی را تصحیح کند؛ روشمند است نه بی‌رویه؛ خود را ابزار تفقه و مقدمه فقه می‌داند و خودبسند و تورمی نیست؛ و پاسخگو در اجتهاد است نه غیرکاربردی.

رساله فرارو با توجه به اهمیت و ظرفیت و رویکرد روش‌شناختی موجود در آثار این سه دانشمند محترم و عللی دیگر که در مباحث ضرورت انجام تحقیق در مقدمه بیان خواهد شد، تحقیق در آثار ایشان را در دستور کار خود قرار داده است تا الگوهای روش‌شناختی موجود در روش اصولی ایشان را معرفی و تبیین و تحلیل کند. بنابراین، روش مسلط بر این رساله، رویکردی داده‌بنیاد است نه نظریه‌بنیاد^۱؛ یعنی از نظریه‌ای پیشین به سوی داده‌ها حرکت نمی‌کند بلکه با دغدغه دست‌یابی به نظریه، کاوش در داده‌ها را در دستور قرار داده است و با استقرا در شیوه‌ها و آرا و روش‌های این سه دانشمند اصولی، در پی یافتن الگوها و نگرش‌های روش‌شناختی ایشان به علم اصول است.

درس روش‌شناسی در حوزه‌های علمی گوناگون ضروری و لازم است و جای خالی این درس در دانش اصول نیز به شدت و وضوح احساس می‌شود. نویسنده ادعا ندارد این جای خالی در روش‌شناسی علم اصول را با رساله فرارو پر کرده باشد؛ اما بسیار امیدوار است قدمی کوتاه در راستای معرفی چشم‌اندازی از مباحث روش‌شناختی علم اصول برداشته باشد و راه را برای پرسش‌های نو و پاسخ‌های دقیق‌تر و تأملات انتقادی و تکاپوی فکری بیشتری فراهم کند تا

۱. توضیح بیشتر درباره این روش در اواخر مقدمه رساله ارائه شده است.

این دانش و به تعبیر دقیق‌تر «فرا دانش» ارزشمند، با بصیرت بیشتر مورد اقبال و تحقیق قرار گیرد و در بستر رشد و توسعه و بالندگی پرشتابی که امثال شیخ انصاری رحمته الله علیه بر اساس آن حرکت کردند امتداد یابد. اگر پژوهشگر فرهیخته یا جوینده نوپایی با مطالعه این رساله با روش‌شناسی علم اصول آشنا شود و در نتیجه بصیرتی تازه در علم اصول به دست آورد یا محقق توانایی از این تحقیق الهامی برگیرد و اقتباسی نماید و مباحث روش‌شناختی علم اصول را به مرحله‌ای جلوتر ارتقا دهد یا خطاها و اشتباهات محقق ناچیز این رساله را اصلاح نماید، نویسنده خود را خرسند و موفق یافته است.

امید است دانشوران متمحض در علم اصول یعنی محققان این علم و استادان و مدرسان درس اصول استنباط در حوزه و دانشگاه و طلاب و دانشجویان دروس خارج اصول و دوره‌های دکتری و پسادکتری در رشته فقه و اصول مخصوصاً عزیزانی که با تفکر اصولی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، حضرت علامه طباطبایی رحمته الله علیه و حضرت استاد سبحانی رحمته الله علیه آشنایی دارند و به تعالیم اصولی ایشان علاقمند هستند؛ و بالاخص شاگردان حضرت استاد سبحانی رحمته الله علیه که توفیق حضور در درس خارج اصول^۱ استاد را داشته‌اند یا دارند، از این رساله منتفع شوند. نگارنده در به انجام رساندن این رساله، تکمیل و تصحیح و انتشار آن به چند نفر وامدار است:

۱. استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله‌العظمی سبحانی رحمته الله علیه: آن بزرگوار، اصل رساله فرارو را یکسال پیش از انتشار آن در سنین بالای هشتاد و پنج سالگی و با وجود بر دوش داشتن اشتغالات مرجعیت و تدریس و تحقیق، مطالعه فرموده و نویسنده ناچیز آن را کریمانه در میان شاگردان خود با فرمایشاتی تشویق نمودند و چند رهنمود علمی نیز ارائه فرمودند که دستمایه توسعه زیادی در رساله شد.^۲

۱. در بین مراجع معظم کنونی (سال ۱۳۹۴ شمسی) ایشان تنها مرجعی از مراجع طراز اول است که هنوز هم دوره اصول خود را تدریس می‌فرمایند و حال آنکه مراجع بزرگوار، معمولاً در دوران کهنسالی تدریس اصول را تعطیل می‌کنند و تنها به تدریس فقه اشتغال دارند. این درس، اکنون دوره هشتم خود را می‌گذراند و علاوه بر اقبال طلاب فاضل و مستعد، شلوغ‌ترین درس خارج اصول در حوزه علمیه قم نیز محسوب می‌شود.

۲. حضرت استاد رحمته الله علیه، به حق جلوه‌ای از حرص و تلاش رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آیه کریمه «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۱۲۸) در عرصه

۲. دست‌اندرکاران برخی نشریات پژوهشی کشور: از این رساله دو مقاله علمی استخراج شده و در نشریات علمی - پژوهشی معتبر در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه مورد نقد و ارزیابی متخصصان (داوران و هیئت تحریریه) قرار گرفته و پس از استفاده از اندیشه‌های نقادانه آن عزیزان، منتشر شده‌اند که در مقدمه رساله معرفی شده‌اند (نک به: بند «م» نوآوری‌ها و مقالات پژوهشی استخراج شده از تحقیق). لازم است از داوران آن مجلات که با ارسال انتقادات و اصلاحات سازنده نویسنده را یاری کردند سپاسگزاری شود. سعه صدر و علم‌پروری و منطق‌محوری سردبیران و تحریریه محترم در گوش سپردن به استدلال‌های نگارنده در برخی موارد که نظر داوران محترم منتقد را قبول نداشته است نیز شایسته تحسین و قدردانی است.
۳. حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر سید محمدجواد وزیری فرد (دامت برکاته)، معاون محترم پژوهش و فناوری دانشگاه قم و دانشیار آن دانشگاه وزین، که با بررسی این تالیف جهت چاپ در آن دانشگاه، موافقت نموده و آن را در شورای پژوهشی دانشگاه طرح کرده و چون تالیفات استادان محترم آن دانشگاه وارد فرآیند داوری و ارزیابی فرمودند و فارغ‌التحصیل دانشگاه نبودن و تدریس نداشتن نگارنده در دانشگاه را مانع این مسئله ندانستند. از پژوهش‌پروری ایشان سپاسگزارم.
۴. شورای محترم پژوهشی دانشگاه قم و داوران مورد تایید آن شورا که رساله فرارو را ارزیابی و تایید و تصویب کردند، زمینه انتشار آن را فراهم کردند و بر نگارنده حق دارند که از همکاری آنان تشکر می‌کنم.

آموزش و تعلیم و تربیت هستند که نصیب حوزه مبارکه قم شده‌اند. ایشان آرزویی جز رشد علمی و خلاقیت و تولید دانش نو در عرصه‌های علوم اسلامی مخصوصاً تفقه عمیق و اجتهادی ندارند و با روی باز و گشاده و صمیمیت فراوان پاسخ‌گوی انواع پرسش‌های علمی شاگردان در قبل و بعد از درس و حتی در میان راه هستند و احياناً لطیفه‌هایی لطیف و ظریف را هم در برخورد با شاگردان خود که اغلب نیز جوان هستند، چاشنی کلام خود می‌کنند. ایشان مقتضیات جهان معاصر و انقلاب اسلامی در نیاز اکید به مجتهدان اسلام‌شناس و متقی را عمیقاً لمس کرده و همواره در گوش شاگردان خود زمزمه می‌کنند و از قصور و تقصیر شاگردان در مسیر کسب علم بسیار آزرده می‌شوند و هر کس از شاگردان خود که اهل تحقیق و مطالعه باشد را مورد تفقد و مهر خود قرار داده و می‌دهند.

۵. خانواده‌ام در تصحیح و غلط‌گیری کتاب خیلی زحمت کشیدند. برایشان بهترین‌ها را از خدای سبحان درخواست می‌کنم.

۶. انتشارات دانشگاه قم و مدیر محترم آن انتشارات جناب آقای معظمی با نویسنده نهایت همکاری را داشتند. همکاری و همدلی ایشان را قدرشناسی می‌کنم.

در پایان، رحمت و رضوان خداوند را برای همه عالم‌ان علوم اهل بیت علیهم‌السلام خصوصاً اصولیان بزرگوار شیعه که به حق پاسبانان دین^۱ بوده‌اند آرزو می‌کنم و به روان پاک مولفان کتاب‌های علم اصول خصوصاً تالیفاتی که نگارنده بر سفره آنان نشسته است یعنی متون درسی‌ای چون «اصول الاستنباط»، «اصول الفقه»، «معالم الاصول»، «قوانین الاصول»، «هدایة المسترشدين»، «فرائد الاصول» و «کفاية الاصول» درود می‌فرستم و در راس آنان فقیه ربانی و اصولی صمدانی و صاحب نفس زکیه قدسیه، حضرت شیخ انصاری رحمته‌الله به عنوان سرسلسله نوآوری‌های اصولی در قرون اخیر و دو پروریده خاص مکتب وی که وارث حقیقی او در علوم فقهی و اصولی و اخلاقی و معنوی هستند یعنی حضرت امام خمینی رحمته‌الله و حضرت علامه طباطبایی رحمته‌الله را یاد می‌کنم و همه استادانم از ادبیات تا رجال و حدیث و فلسفه و فقه و اصول و ... بالاخص استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله العظمی سبحانی رحمته‌الله که همواره از خرمن علوم مختلف او از اصول و فقه و رجال و حدیث و تاریخ بهره برده‌ام را صمیمانه حرمت می‌نهم و خاضعانه اعتراف می‌کنم اگر سخن تازه یا تلاش ثمربخشی در این تالیف و دیگر تالیفات این حقیر وجود دارد، وامدار بذره‌های تعلیم و تربیت آنان است و برای ایشان بهترین‌ها را آرزو می‌کنم.

آخر الکلام حمد الله سبحانه و تعالی رب اللوح و القلم فانه ولی النعم و اصل الجود و الکریم و هو المعظم فی کل جنان و المحمود فی کل اوان و المدعو بكل لسان و لا حول و لا قوة الا به تعالی و تقدس و استغفره و اتوب الیه و اسلم علی نبیه و آله الاطیبین الابزین آل طه و یس.

مصطفی همدانی - حوزه علمیه قم

پاییز ۱۳۹۵ شمسی

۱. جناب آقا میرزا هاشم آملی رحمته‌الله از استاد خود مرحوم آقا ضیاء عراقی رحمته‌الله نقل کرده است که آن اصولی بزرگ فرموده‌اند: «علم اصول، پاسبان و نگاهبان دین است». (سند، مقاله «علم اصول، منطق علوم و معارف دینی»، ص ۹-۷) مقصود از این پاسبانی در اولین بحث از مقدمه رساله فرارو توضیح داده شده است.